

بررسی اثرات فرهنگی توسعه ورزش در ایران با تأکید بر ورزش فوتبال

بهرام قدیمی^۱، مجتبی باقری^۲

چکیده

این مقاله به ارتباط ورزش فوتبال با برخی پدیده های فرهنگی و مسائل اجتماعی در جامعه ایرانی می پردازد. هدف محقق، ارزیابی نقش، کارکرد و جایگاه این ورزش در جامعه مذکور است. از نظر روش شناختی، این بررسی مبتنی بر تحلیل نظری فواید ضروری ورزش فوتبال در جامعه ایرانی است. بدین سان دو روش کتابخانه ای و اسنادی راهگشای جمع آوری داده های تحقیق حاضر گشته اند. نتیجه آنکه جذب اقوام در جامعه ملی به واسطه ورزش فوتبال و شرکت دادن بانوان در حوزه های عمومی جامعه از کارکردهای هویت ساز آن است. این ورزش، محلی برای تجلی و ظهور رفتارها و خشونت هایی است که به طور معمول مجاز شمرده نمی شوند. فوتبال، ارزان، ساده، مهیج و تفریحی مفرح نزد مردم است. از این منظر، کارکردی آموزشی برای یاد دادن قواعد زندگی اجتماعی و شیوه های سازگاری با جامعه و مرزبندی های مرسوم یافته است.

واژگان کلیدی: اجتماعی شدن، اوقات فراغت، خشونت، فوتبال، هویت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

^۱ عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) (Email: ghadimi.bahram@srbiau.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی ورزش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

از نیم قرن اخیر به این طرف، ورزش فوتبال در جامعه ایرانی تشکیلات وسیعی پیدا کرده و رقابت‌های این ورزش به طور مداوم و مستمر رو به افزایش است. از سوی دیگر شرکت کنندگان تماشاگر در مناسبات و مسابقات فوتبال بیش از دیگر مشارکت‌های سیاسی، صنفی و غیره بوده است. ورزش به طور عام و فوتبال به طور خاص جزئی از نظام اجتماعی این مرز و بوم درآمده، به مثابه دیگر اجزای جامعه (اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، مذهب و...) توسعه و تعمیم آن برای تعادل، ثبات و دوام اجتماعی اجتناب ناپذیر می‌نماید. پیش از آنکه ورزش و تربیت بدنی از سوی غرب به ایران راه یابد، ورزش در ایران محدود بود به بازی‌های بومی محلی بخش‌های مختلف ایران و به تمرین‌های زورخانه‌ای که هدف نهایی آن تا نیم قرن پیش آموزش فنون کشتی بود (الهی، ۱۳۷۳: به نقل از شجیع، ۱۳۹۲: ۸۱). برومبزه، مردم شناس فرانسوی تا جایی پیش می‌رود که کارکرد فوتبال را برای ایرانیان، فراتر از مرزهای کشورشان می‌داند: برای ایرانیانی که از انزوای میهن خویش در عرصه بین‌المللی و بی‌اعتباری آن در دید جهانیان ناراضی بوده‌اند، شرکت در مسابقات جام جهانی^۱، نشان از آغاز بازگشت به این عرصه را داشت. به دیگر سخن، شرکت در جام جهانی مقدمه‌ای برای حضور در "جامعه جهانی" بود (۱۹۹۸) اینکه امروزه فوتبال به چنین جایگاه ممتازی نایل شده، نشان از این امر دارد که فوتبال در شکل امروزی‌اش، به نمادی از تجدد یا مدرنیته تبدیل شده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۸: ۴-۸). ورزش فوتبال ابعاد متنوعی مانند ارتباط با پدیده‌های فرهنگی چون هویت (سویه‌های گوناگون آن)، رتق و فتق مسائلی از جمله خشونت، اوقات فراغت و همچنین مقوله اجتماعی شدن دارد (پر واضح است که ابعاد آن بسیار گسترده‌تر از مقولات مذکور است، ولی در ظرفیت این مقال نمی‌گنجد) که حول کارکردهای اجتماعی و فرهنگی این ورزش، خاصه در میهن مان ایران، قابل تحقیق و بررسی هستند.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. ورزش فوتبال چه هدف‌هایی را برای جامعه ایرانی تأمین کرده است؟
۲. چه ضرورتی به توسعه این ورزش در کشور ایران است؟
۳. ورزش فوتبال چه کارکردی در تقویت هویت ملی ایرانیان دارد؟
۴. آیا ورزش فوتبال در تقویت هویت قومی اقوام ایرانی مؤثر است؟
۵. آیا ورزش فوتبال به حضور زنان ایرانی در عرصه‌های اجتماعی یاری رسانده است؟
۶. خشونت‌ها و پرخاشگری‌ها در ورزش فوتبال چه کارکرد اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در جامعه ایرانی داشته باشد؟
۷. نقش ورزش فوتبال در گذران اوقات فراغت مردم، خاصه قشر جوان جامعه ایرانی چیست؟
۸. آیا ورزش فوتبال در فرآیند اجتماعی شدن و سازگاری افراد، خاصه قشر جوان با جامعه ایرانی مؤثر واقع شده است؟

پیشینه تحقیق

بررسی ورزش فوتبال نه به عنوان یک بازی بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، طیف متنوعی از موضوعات را در برمی‌گیرد. در ایران، آنچه بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، خشونت‌های فوتبال و تأثیرات اجتماعی آن بوده است. شهابی (۱۳۷۷) تحول فوتبال در ایران را یکی از شاخص‌های تحولات عمومی کشور و نشان از حرکت به سوی فرهنگ عام جهانی می‌داند. برومبزه (۱۹۹۸) حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی را مقدمه‌ای برای حضور این کشور در "جامعه جهانی" می‌داند. از نظر اباذری (۱۳۸۱) در مورد خشونت فوتبال در ایران اغراق شده است و مسائل ایجاد شده در این مورد ساخته و پرداخته رادیو و تلویزیون، اساتید دانشگاه و روزنامه‌هاست. عسکری‌خانقاه و حسن‌زاده (۱۳۸۱) فوتبال را به معنای مارسل موسی کلمه، یک واقعه اجتماعی تام که بازتاباننده وضعیت و هیأت کلی فرهنگ جامعه و ویژگی‌های آن است، قلمداد می‌کنند. فاضلی (۱۳۸۵) فوتبال را در هر کشوری متأثر از بستر اجتماعی و سیاسی خاص آن کشور می‌داند؛ و با توجه به دولتی بودن مدیریت در ایران، نهاد ورزش به طور عام و ورزش فوتبال به

^۱ منظور برومبزه جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه است. در جام جهانی فرانسه، ایران برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷ جواز حضور در جام جهانی فوتبال را کسب کرد.

طور خاص به نحو آشکاری با مباحث قدرت وایدئولوژی عجین شده است. روح‌الامینی (۱۳۸۵) بر این باور است که می‌توان از اصطلاح فرهنگ فوتبال سخن به میان آورد؛ چراکه ویژگی‌های سه‌گانه فرهنگ یعنی، عمومیت داشتن، اجباری نبودن و دوام داشتن را در این پدیده که به مرور زمان جای خود را باز کرده، می‌توان یافت.. فکوهی (۱۳۸۹) کارکرد و رابطه فوتبال را در جامعه ایرانی، از گذشته تا حال، به مثابه خدمت و جایگاهش در دیگر جوامع قلمداد می‌کند: پیش از انقلاب تاکنون، فوتبال تقریباً همان کارکردها و روابطی را در جامعه ما به وجود آورده که در دیگر نقاط جهان شاهد آن هستیم. بدین‌سان، ما همواره با هویت‌سازی‌های ملی، محلی، شهری، اوباشی‌گری و مسائلی از این دست مواجه بوده‌ایم. هاشمی و جوادی یگانه (۱۳۸۶) فوتبال را در بنبوحه چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان گروه‌های مختلف ایرانیان، عاملی برای پیوند و در کنار هم نشانیدن آنان می‌دانند.

کوپر (۱۳۸۹) مدعیست یکی از دلایلی که موجبات محبوبیت و اهمیت فوتبال را در کشورهای خاورمیانه فراهم آورده، کمبود دیگر تفریحات است. برای یک مرد جوان در خاورمیانه که باید اوقات فراغتش را با دیگر جوانان سپری کند، فوتبال تنها تفریح ممکن است. صدر (۱۳۷۹) در کتابی با عنوان: روزی روزگاری فوتبال، به ترسیم وجوه اجتماعی فوتبال پرداخته، فصل نخست این اثر را به سیر تاریخی و سیاسی این ورزش در ایران اختصاص می‌دهد.

ملاحظات نظری

رویکرد کلی این مقاله به موضوع مورد مطالعه، رویکردی کارکردی است. به لحاظ تاریخی ریشه‌های کارکردگرایی را می‌توان نزد سه متفکر بزرگ علوم اجتماعی: آگوست کنت، هربرت اسپنسر و امیل دورکیم یافت (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۵۸). به وسیله دو انسان‌شناس بزرگ: برونیسلاو مالینوفسکی و رادکلیف براون تثبیت گردید (ریویر، ۱۳۸۵: ۷۵). تالکوت پارسونز، کینگزلی دیویس و روبرت مرتن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن هستند (آزادارمکی، ۱۳۸۸: ۲۰) و در نهایت جفری الگزنדר و پل کولومی تلاش خویش را در جهت تداوم این نظریه در قالب گرایش نوکارکردگرایی به کار گرفتند (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۵۶). اگر منظور گرایشی به مطالعه وقایع اجتماعی در بُعد تاریخی علاقه‌مند است، فرهنگ‌گرایی به روان‌شناسی شکل‌گیری آن‌ها و اشاعه‌گرایی همان وقایع را از نقطه نظر ابداعات اجتماعی بررسی می‌کند؛ جریان موسوم به کارکردگرا، نهادهای اجتماعی را قابلیت‌هایی به شمار می‌آورد با نقشی در مجموعه‌ای منسجم که همان جامعه است (دورته، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰).

دیدگاه کارکردی بر خلاف دیدگاه تضادی که روی منافع، خصومت‌ها و تعارضات آشتی‌ناپذیر نظام‌ها متمرکز می‌شود، به هنجارها، همبستگی و یکپارچگی نظام‌ها توجه می‌کند. به عنوان مثال: دیدگاه کارکردی روی این موضوع متمرکز می‌گردد که چه تغییراتی باعث شد که وجود ورزش فوتبال ضروری به نظر رسد و چه تأثیراتی بر روی هواداران و بازیگران این ورزش دارد؟ در مقابل دیدگاه تضادی به این مسئله توجه دارد که چه گروه‌ها و طبقاتی از توسعه ورزش فوتبال سود می‌برند و چگونه دسترسی به باشگاه‌ها و بازیکنان برتر در جهت حفظ موقعیت گروه‌های دارای امتیازات ویژه عمل می‌کند؟ کارکردگرایی را می‌توان با حرکت از باور دورکیم، به معنی جای دادن واقعیت‌ها در چارچوب اجتماعی‌شان با هدف تفسیر آن‌ها تعریف کرد (ریویر، ۱۳۸۵: ۷۵). از نظر مالینوفسکی، در جریان تحلیل کارکردی نشان خواهیم داد که هیچ‌گونه اختراع، انقلاب و دگرگونی فکری یا اجتماعی امکان وجود نمی‌یابد مگر اینکه نیازهای جدید رخ نمایند (۱۳۸۴: ۶۰). الگزنדר، بر این باور است که نوکارکردگرایی گزارشی کلی از مناسبات متقابل را به دست می‌دهد و فکر تعادل را به مثابه نوعی نقطه مرجع به کار می‌گیرد (کرایب، ۱۳۸۹: ۷۵). نظریه کارکردگرایی در مقام قیاس، به بدن انسان توجه می‌کند: هر جزء، از جمله قلب، ریه‌ها، کلیه‌ها، پوست و مغز کار خاصی را انجام می‌دهند. ... می‌توان یک تیم فوتبال را نظامی اجتماعی به شمار آورد؛ نظامی که دروازه‌بان، مردان خط دفاعی، خط میانی، خط حمله و دیگران هر یک برای کل تیم کار می‌کنند (ببی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). در مدل کارکردگرایی مورد نظر نگارنده، یک سنت مانند ورزش فوتبال در قالب رابطه کارکردی‌اش با برخی احتیاجات فردی و گروهی بشر شرح داده می‌شود. در این مدل پدیده‌های اجتماعی بایستی در رابطه با کارکردهای ضروریشان فهمیده شوند.

روش شناسی

فن یا روش تحقیق عبارتست از وسائل و ابزاری که به واسطه‌ی آن بتوان با کمک رویکرد و طرح تحقیق، اطلاعات مورد نیاز پژوهش را جمع‌آوری نمود. معمول‌ترین روش تحقیق، تفکیک بر اساس رویکرد پژوهش می‌باشد (تنهایی و نکهت، ۱۳۹۱: ۵۹) بدین‌سان موضوع خاص پژوهش حاضر، ایجاب می‌نماید که نگارنده از منابع و اسناد مکتوب، و همچنین با ارجاع به پژوهش‌های گوناگون در باب مباحث مطرح شده، دست به تبیینی نوین در پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق حاضر بزند. برای نیل به این مقصود و دست‌یابی به منابع و داده‌های لازم دو روش ذیل به مدد نگارنده این سطور آمده‌اند:

۱. روش کتابخانه‌ای: منظور از روش کتابخانه‌ای این است که برای جمع‌آوری داده‌ها باید به نوشته‌های مکتوب^۱ رجوع کرد و با استفاده از آنها با توجه به پرسش‌های تحقیق، داده‌ها را تلخیص نمود (تنهایی و نکهت، ۱۳۹۱: ۶۱).

۲. روش اسنادی: پژوهش اسنادی، در واقع یکی از فراگیرترین روش‌هایی است که به شکل‌های گوناگون در گردآوری داده‌های جامعه‌شناختی مورد استفاده واقع می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۳۳). نمونه‌ای از کاربرد اسناد تاریخی در جامعه‌شناسی مطالعه‌ی آنتونی اشورث درباره‌ی جنگ سنگرها در طی جنگ اول جهانی است (Ashworth, 1980)، به نقل از گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۳۴).

لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) سند را به عنوان «هر چیز کمی یا ضبط شده» که برای مقاصد ارزشیابی یا بنا به درخواست بررسی کننده تهیه شده باشد تعریف می‌کنند. این اسناد را می‌توان به دو مقوله عمده:

الف) سوابق همگانی: سوابق همگانی می‌تواند از خارج یا درون محیطی که مطالعه در آن انجام می‌شود گردآوری شود؛ مانند: گزارش‌های آماری مهم، آرشیو روزنامه‌ها، سوابق ادارات و...

ب) اسناد شخصی: سند شخصی، مدرک دست اول شخصی از پیشامدها و تجارب است. این اسناد شامل خاطرات، عکس‌ها، نامه‌ها، برنامه‌ها و... می‌باشند (هومن، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۴).

فوتبال و تحول ورزش ایران

تاریخ معاصر ایران، کارزار تقابل با غرب و جریان‌های غربی است. در اواسط دوران قاجار و پس از آنکه نخبگانی ایرانی به برتری نظامی غرب پی بردند (در نتیجه شکست از روسیه و تحمیل معاهده‌های تحقیرآمیز گلستان و ترکمنچای)، در پی یافتن علل واقعی این برتری، میل بسیاری برای شناخت و ارتباط با غرب در میان اعیان قاجار پدید آمد. این امر موجب نفوذ مأموران و متخصصان غربی و تغییرات ساختاری در جامعه شد که نمادش در انقلاب مشروطیت پدیدار می‌گردد. بدینسان اصلاح و بازآفرینی در حوزه‌هایی چون آموزش و پرورش، معماری، ادبیات، موسیقی و... اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ورزش نیز که تافته‌ای جدا بافته از فرهنگ و جامعه ما نیست، تحت تأثیر این جریان‌ها تغییرات شگرفی می‌بیند: ورزش ایران به زورخانه‌هایش می‌بالید. به پهلوانان کشتی که از سنت‌های کهن می‌آمدند. به تیراندازی و سوارکاری که در عرصه ادبیات به آن‌ها اشاره می‌شد. ... ولی از ورزشی که در آن با پا به توپ ضربه می‌زدند و دنبال آن می‌دویدند نشانه‌ای نبود. این ورزش امروزی مثل همه ورزش‌های مدرن، از آن سوی مرزها می‌آمد و خوب یا بد به فرنگی‌ها تعلق داشت (صدر، ۱۳۷۹: ۱۷).

رقابت میان ورزش‌های دیرین و ورزش مدرن فوتبال، نبردی میان سنت و مدرنیته در میدان ورزش بود. شاید در آن دوران هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که گسترش روزافزون فوتبال، تا این میزان، جذابیت ورزش‌های کهن را کمرنگ سازد. نمایش باستانی کاران، پیش از شهرآورد سرخابی‌های پایتخت و اجرای حرکاتی که تنها در گود زورخانه مرسوم است، مصداق تعظیم این ورزش کهن در برابر فوتبال است. آنان مستطیل سبز را واسطه‌ای قرار دادند، تا بگویند: ما نیز هستیم! چرا ورزش فوتبال، جهان‌گیر می‌شود؟ به عبارت دیگر

^۱ این نوشته‌ها می‌تواند منابع اولیه (منابعی که توسط نویسندگانی که با موضوع مورد مطالعه در ارتباط بوده‌اند) یا منابع ثانویه (کتاب‌هایی که در دوره‌های زمانی بعدی که موضوع مورد مطالعه رخداده است تألیف شده‌اند) باشند.

اهمیت و محبوبیت این ورزش ناشی از چیست؟ فوتبال چون زندگی، پیش‌بینی‌ناپذیر و آشفته‌رویدادهایی نامعلوم است. فوتبال از نظر مادی مقرون‌به‌صرفه است. آماده‌سازی یک زمین برای فوتبال به مراتب ارزان‌تر از بسیاری از ورزش‌ها (شنا، اسب‌سواری، هاکی و...) است. ابعاد زمین این ورزش به گونه‌ای است که اجازه می‌دهد انبوهی از جمعیت در یک مکان دور هم جمع شوند. نباید از تأثیر پا به عنوان ابزار بازی غافل شد، چراکه فوتبالیست ناچار به ترکیب مهارت، سرعت و قدرت بدنی به موازات یکدیگر است. در نهایت و از همه مهم‌تر توان اقتصادی و سیاسی انگلستان به عنوان خاستگاه این ورزش، نقش بارزی در راهیابی آن به دیگر نقاط جهان ایفا کرده است: خاستگاه فوتبال مدرن بریتانیا، خاصه کشور انگلستان است. در انگلیس، زمانی این بازی را فوتبال نامیدند که تصمیم بر آن شد دیگر از دست برای حمل توپ استفاده نشود. قبل از آن هیچ قاعده‌ای برای حرکت دادن یا متوقف کردن توپ وجود نداشت. اما سرانجام در کالج ترینیتی کمبریج و در اکتبر ۱۸۴۸، تصمیم بر آن شد تا قواعد خاصی همچون عدم استفاده از دست (به‌جز در مناطقی خاص) منظور گردد (هلمیر و اونز، ۲۰۰۰: ۶).

در کشور ما، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، انگلیسی‌ها که به دلایل مختلف به ایران سفر می‌کردند یا در تهران و دیگر شهرستان‌ها اقامت داشتند، بازی فوتبال را رواج دادند. انگلیسی‌ها در اوقات فراغت خود به بازی فوتبال می‌پرداختند و جوانان ایرانی آن‌قدر دور زمین‌های بازی آن‌ها ایستاده، به تماشا پرداختند که به این ورزش جدید علاقه‌مند شدند. این امر در مناطق نفت خیز جنوب و در تهران که تعداد زیادی انگلیسی وجود داشتند، بیشتر مشاهده می‌شد (جلالی فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۰ و ۱۱).

در نظر آنان که در افسون پیشرفت ملت‌ها شناور هستند «ورزش» یکی از منابع قدرت ملی، پیشرفت، استقلال، تمدن و بقای ملی و مخصوصاً پاکدامنی و جدیت در پیگیری اهداف و سرچشمه فضیلت‌های فردی و جمعی با هم است. بازی توبی با دست و مخصوصاً پا، اسب سواری، دو، شکار، شمشیربازی، چوگان و درشکه سواری^۱، اهمیت بسیاری در زندگی اروپاییان دارد و مستقیماً با ترقی ایشان در ارتباط است. آنان که یاد گرفته اند می‌گویند که راز عظمت، قدرت و پیشرفت بریتانیا در فوتبال یعنی بازی با توپ، با پا است^۲ (شهابی ۲۰۰۲: ۳۷۴-۳۷۵). شاید حکومت پهلوی دوم به اکسیر این ورزش در شفافبخشی و تثبیت مناسبات جهانی پی برده بود. هنگامی که در سال ۱۳۲۹ از میلتون آیزنهاور رئیس دانشگاه پنسیلوانیا، دعوت شد تا تیم فوتبال این دانشگاه را برای انجام مسابقاتی به ایران بفرستند، سرپرست تیم در بازگشت، سفر را این گونه توصیف نمود: ایرانیان همه جا از اعضای تیم ما، همانند قهرمان، با دسته گل استقبال کردند... ملت‌ها تا بازی با یکدیگر را نیاموزند راه همکاری را نخواهند آموخت (هالند، ۱۹۸۰: ۶۳).

فوتبال در ایران امروز همپای بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا کارکردی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یافته و توانسته جایگاه ویژه‌ای در جامعه به دست آورد. ورزشی که از حدود یک قرن پیش وارد ایران شد و اکنون جذاب‌ترین و پرطرفدارترین ورزش کشور به شمار می‌آید. چنین وصفی از ورزش فوتبال، به تدریج جای کشتی، ورزش سنتی و پرطرفدار ما را که اکنون تنها با نام تختی به یاد آن می‌افتیم، گرفته است. این شرایط حتی در کشوری چون ترکیه که روزگاری کشتی، ورزش نخست این کشور بوده نیز مصداق دارد (افسر کشمیری، ۱۳۸۱: ۲۸).

هویت و فوتبال

در تعریف هویت^۲ باید به عوامل و مؤلفه‌های هویت توجه کرد. در این خصوص چند نکته وجود دارد: اولین مسئله این است که در تعریف هویت علاوه بر تعریف خود، تصور دیگری هم مطرح است. در واقع تعریف هویت یک تعریف ثابت نیست. باید «خود» و «غیرخود» را در هر زمان مشخص کرد. مثلاً ایرانی در برابر غیر ایرانی یا عرب در مقابل عجم مطرح است. یعنی خود و دیگری هر دو به عنوان عوامل شناخت هویت در نظر گرفته می‌شوند (خانیک، ۱۳۸۶: ۸). هویت، یعنی آگاهی از خود و ویژگی‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت (مصفا، ۱۳۸۶: ۲۱۳). هویت چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد و

^۱ sledging

^۲ Identity

باید به طور مداوم و روزمره آن را ایجاد کند و در فعالیت‌های تأملی و بازاندیشانه مورد حفاظت و حمایت قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۸). اهمیت این موضوع را برای جامعه ما می‌توان در سه محور بیان کرد (دوران، ۱۳۸۷: ۱۵):

۱. جوانی جامعه ایران و هویت‌خواهی و هویت‌جویی جوانان که همواره از پرسش‌های اساسی جامعه امروز ایران بوده است.
۲. گسترش شهرنشینی و پیچیده‌تر شدن روابط و تأملات انسانی و پیچیدگی هر روزه ابعاد زندگی اجتماعی و به دنبال آن اهمیت درک هویت فردی و اجتماعی از سوی افراد جامعه.
۳. فرآیند سریع و پرشتاب تحولات به ویژه در حوزه ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و رفتاری و تعامل و گفتگوی پیوسته میان عوامل فرهنگی ملت‌ها و تمدن‌های مختلف.

از این رو می‌توان گفت: آینده هر جامعه‌ای پیوندی استوار با نوع تعریف ملت‌ها از هویت خواهد داشت و تعیین نسبت مردمان با این مقوله خطیر رهیافت‌های توسعه‌ای آنان را رقم خواهد زد.

ورزش محبوب فوتبال با فضای رقابتی شدیدی که ایجاد می‌کند به شکل‌گیری و مرزبندی گروه‌های رقیب دامن می‌زند و با استمرار آن در طول زمان، به قطب‌بندی‌های موجود، قوت و استمرار می‌بخشد. تکرار دوره بازی‌های لیگ‌ها در مقطع سالانه و بازی‌های بین‌المللی در سطوح و دوره‌های مختلف، موجب تصریح، تشدید و تقویت نگرش‌ها و گرایش‌های پدید آمده می‌گردد. فوتبال هرگز فقط فوتبال نیست در بحث‌های فوتبالی، برزیلی‌ها انتظاری که از کشورشان دارند را مطرح می‌کنند. "لوییز ادواردو سوارز" جامعه شناس برزیلی می‌گوید: شاید برای انگلیسی‌ها هم چنین باشد، وقتی تیم ملی ما بازی می‌کند احساس می‌کنیم هویت کشور ما در زمین بازی می‌کند و ارزش‌های ما به جهانیان نشان داده می‌شود (به نقل از سایمون کوپر، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

فوتبال و هویت ملی در ایران

هویت ملی، اجزایی دارد که عناصر اصلی آن هستند. در هویت ایرانی، عناصری نظیر زبان فارسی، مذهب شیعه، مکان جغرافیایی و معدودی عنصر دیگر ابعاد هویت ملی هستند. اما در کنار این هویت ملی عناصر دیگری نیز هستند که می‌توانند به تقویت هویت ملی کمک کنند. فوتبال یکی از این موارد است. جذب اقوام در جامعه ملی توسط فوتبال یکی از کارکردهای هویت ساز آن است. تجربه دیگر کشورهای جهان نیز نشان دهنده نقش فوتبال در هویت‌سازی ملی است. البته باید وزن هر یک از این عناصر، از جمله فوتبال را مورد توجه قرار داد و از بزرگ‌نمایی و اغراق در نقش هویت‌سازی آن، پرهیز کرد. عناصر اساسی هویت ملی، اثراتی دیرپا دارند؛ در حالی که فوتبال، آثاری پررنگ اما زودگذر در هویت ملی دارد (هاشمی و جوادی یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

چه کسی می‌تواند هشتم آذرماه ۱۳۷۶ مسابقه برگشت تیم ملی فوتبال ایران با تیم ملی فوتبال استرالیا، از سری مسابقات مقدماتی جام جهانی فرانسه را از خاطر‌ها برآید؟ لحظه‌ای که ساندر و پل داور مجاری دیدار، در دقیقه ۸+۹۰ سوت پایان مسابقه را در شهر ملبورن به صدا درآورد، به فاصله ۵ دقیقه، بیش از ۵۰ میلیون ایرانی در داخل کشور و ده‌ها هزار تن در خارج از کشور به خیابان‌ها ریختند و بدون آنکه کسی به آنان اطلاع داده باشد به شادمانی و پایکوبی برای پیروزی تیم ملی کشورشان پرداختند. یا آن‌گاه که در روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۷ با پیروزی ۲ بر ۱ ایران برابر اسرائیل، «ایران ای مرز پر گهر» حسین گل و گلاب پس از سال‌ها فراموشی بار دیگر توسط مردم در کوچه و خیابان طنین‌انداز شد. آیا زمان رویارویی تیم ملی ایران با تیم‌های عربی، به یاد جنگ قادیسیه نمی‌افتیم؟! بازی ایران و آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ در فرانسه، نمونه بارزی از پیوندهای عاطفی و برجسته شدن تعلقات مشترک در میان ایرانیان ساکن در نقاط مختلف جهان بود. از سوی دیگر، در شرایطی که فضای سیاسی ایران و آمریکا، این بازی را به صحنه نبرد غیر خشنونت‌آمیز میان دو کشور تبدیل کرده بود، واکنش‌های خود جوش مردم ایران پس از پیروزی تیم‌شان، نشان داد که فراتر از تعارضات نظام‌های سیاسی دو کشور، مسابقات فوتبال قادرند نوعی جبهه هویتی پدید آورند. پیروزی ایران حتی کسانی که چندان از تقابل‌های سیاسی موجود میان این دو نظام، خرسند نبودند را، شاد کرد و به نحوی حس پیروزی بر رقیب را در آنان برانگیخت، به گونه‌ای که در این مسابقه، آمریکا، حداقل به رقیب هویتی عموم ایرانیان تبدیل شد.

ورزش و ملیت از قرن نوزدهم عمیقاً در هم تنیده هستند، ورزش‌ها بسترگاهی برای رقابت نمادین ملت‌ها فراهم می‌آورند. چه بسا همین پدیده علت این واقعیت باشد که ورزش‌هایی که در زمینه رقابت‌های بین‌المللی کارایی مطلوبی ندارند در مقوله هویت‌سازی نیز عملکرد موفقی ندارند. ورزش ملی، اساساً بر یکپارچگی ملی و هویت، پشتیبانی از ارزش‌های مسلط، آرمان‌ها و منابعی که از ملت‌ها در آن ریشه خود را می‌جویند متمرکز است. ورزش‌ها بخشی از زندگی روزانه مردم هستند که اجازه دست‌کاری شدید، برای هویت‌سازی ملی و ملی‌گرایی را می‌دهند بدون آنکه واکنش‌های شدید جاهای دیگر را به دنبال داشته باشد (کتیک ۲۰۰۹: ۵۳). هویت ملی یا جمعی یک ملت معمولاً در قالب ورزشی بروز می‌کند که آن ورزش با اقبال یا توجه عمومی روبه‌رو شده باشد (صدر، ۱۳۷۹: ۲۳۶).

در بحبوحه چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان گروه‌های مختلف ایرانیان، از جمله موضع‌گیری‌های متفاوت اکثریت جامعه ایرانی با اقلیت‌هایی در کشور و با گروه‌هایی در خارج از کشور، مسئله‌ای که بتواند آن‌ها را به راحتی به هم پیوند دهد و کنارهم بنشانند، بسیار مهم است. در سال‌های اخیر، جز فوتبال فقط دو مسئله خلیج فارس (پس از بروز خطای مجله نشنال جئوگرافیک) و نیز تأکید بر داشتن انرژی هسته‌ای، چنین توانی را داشته است؛ اما مسابقات مختلف و ادواری فوتبال در سطح باشگاهی، ملی، قاره‌ای و جهانی توانسته است ایرانیان را در کنار هم و در جبهه‌ای واحد با تعلقات اجتماعی و عاطفی آشکار و قوی قرار دهد (هاشمی و جوادی یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

فوتبال و هویت قومی در ایران

وقتی هویت ملی تضعیف شد و فقط از یک وجه آن استفاده گردید، وجه دیگر مغفول می‌ماند. طبعاً در این شرایط هویت ملی زیر سؤال می‌رود و وقتی هویت ملی زیر سؤال رفت، اولین جلوه‌های آن که هویت‌های محلی و قومی است جلوه‌گر می‌شود. الان در ایران چنین وضعیتی به وجود آمده است ولی به هیچ وجه دولت نمی‌تواند جوان آذربایجانی یا جوان کرد یا بلوچ را که به هویت قوم خودش رو می‌آورد، سرزنش کند. برای اینکه هویت ملی‌اش را تضعیف کرده و زمینه‌های بحران هویت را به وجود آورده است. وقتی هویت ملی نباشد، چنین وضعیتی به وجود می‌آید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳۹).

اگر در فوتبال برزیل مسئله سپاهان و نژادپرستی، در فوتبال اسپانیا جدایی‌طلبی برخی از ایالات عرض اندام می‌کند، فوتبال آرژانتین با حضور نظامیان، کلمبیا با قاچاقچیان مواد مخدر، یوگسلاوی با درگیری‌های قومی، روسیه با باشگاه‌داری دولتی، انگلیس با اوباشگری، ایتالیا با تماشاگرانش و ترکیه با اصرار بر ورود به جامعه اروپایی مورد تجلیل قرار گرفته‌اند، فوتبال ایران نیز تا سال‌های اخیر زیر دو بیرق «قرمز» و «آبی» مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. در سال‌های کنونی پدیده‌های قومی در فوتبال ایران درحالی شکل گرفت که با کاستن از هیاهوی دو قطبی، حتی پاره‌ای از اوقات هویت ملی را نیز تحت الشعاع قرار داده است. وقتی در ورزشگاه تختی اهواز در حاشیه روبرویی تیم‌های اهوازی و تهرانی، شعار هواداران به استعاره از جنگ اعراب و فارس‌ها فریاد زده می‌شود، آن‌گاه که در ورزشگاه یادگار امام شهر تبریز همه: یاشاسین آذربایجان، می‌گویند و در دیگر نقاط کشور به هنگام رقابت تیم تراکتورسازی تبریز هموطنان آذری‌زبانمان شتابان خود را به ورزشگاه می‌رسانند، به گونه‌ای که حتی گاهی اوقات جمعیتی فراتر از هواداران تیم میزبان را دارا هستند؛ مادامی که تیم صنعت نفت آبادان را با قواعد مصلحتی در حالی که طبق قوانین از صعود به لیگ برتر بازمانده را بالا می‌کشند (تا جوانان آبادانی را برای تماشای تیم محبوبشان به ورزشگاه کشیده باشند)^۱، آنگاه که امتیاز حضور در لیگ برتر تیم سپاهان نوین را برای فولاد خوزستان خریداری می‌نمایند (چراکه فوتبال برای هواداران فولاد خوزستان، مترادف طلای سیاه و شاید فراتر از آن است)^۲؛ زمانی که تیم پاس تهران را با آن همه قدمت در فوتبال ایران به استان همدان منتقل می‌کنند، دورانی که تیم شیرین فراز کرمانشاه، به لیگ برتر صعود می‌کند و هموطنان گُرد زبانمان یک سال را پشت به قرمز و آبی نتایج تیم محبوبشان را

۱. ن. ک. به روزنامه اعتماد، شماره ۱۲۵۰ به تاریخ ۸۵/۰۸/۱۴ صفحه ۳ (ورزش) و روزنامه جام جم به تاریخ ۸۵/۰۸/۱۳.

۲. ن. ک. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۵۶۱ به تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۳ و مجله الکترونیک، تبیان به تاریخ ۸۷/۰۴/۱۲.

دنبال می‌کنند و روزی که تیم سپاهان و ذوب آهن اصفهان جایگاه‌های نخست جدول لیگ برتر فوتبال ایران را به خود اختصاص داده، روزنامه‌ها می‌نویسند: در صدر جدول گز پخش می‌کنند، دیگر نمی‌توان از هویت قومی در فوتبال ایران سخنی بر زبان جاری ساخت. در شهری مانند تبریز تیم تراکتورسازی توانست در میان کسانی که به نحوی به فوتبال تعلق دارند، احساسی از تمایل و دل‌بستگی به یک موضوع (سرنوشت تیم) ایجاد کند. این تمایل، هیچ ارتباطی با لیاقت تیم برای برتری بر توانایی‌های واقعی آن ندارد، بلکه شهروند آذری در یک مسابقه فقط و فقط طالب پیروزی تیمی است که به نحوی، برچسب ترک را دارد. این مقوله که صورت شبه ایدئولوژیک دارد، می‌تواند به سادگی فردی را داخل در هویت محلی نماید و یک درون - گروه و برون - گروه روشن و بسیط (تیم تراکتور سازی، تیم مقابل) ایجاد کند. همین ویژگی است که تجمع انبوه چند ده هزار نفری تماشاچیان ثابت تیم تراکتورسازی در استادیوم ورزشی را توجیه می‌کند. این مسئله به نحوی از انحاء، در تیم‌هایی چون فولاد و استقلال اهواز، ذوب آهن و سپاهان اصفهان، ابومسلم خراسان، پگاه گیلان و ملوان بندرانزلی، برق و فجرسپاسی شیراز، شیرین فراز کرمانشاه و... صادق و قابل تأمل است.

آذری‌های هوادار تیم تراکتورسازی تبریز

با اینکه تراکتورسازی تنها یک باشگاه ورزشی است، ولی امروزه برای هواداران این تیم در ایران جذابیتی فراتر از این دارد و به پدیده‌ای اجتماعی و ناسیونالیستی مبدل شده است.^۱ صدر، در این باره می‌گوید: اتفاق خوبی که این روزها شاهد آن هستیم، شور و هیجانی است که طرفداران تیم تراکتورسازی تبریز نسبت به تیم شهر خودشان نشان می‌دهند، این وسط تنها فوتبال نیست که این میزان از علاقه را برانگیخته است، مسائل قومی و زبانی باعث به وجود آمدن نوعی دوستی بین هواداران و باشگاه تراکتورسازی شده که به زعم من رخداد خوشایندی برای فوتبال ایران است.^۲

"باقری" (۱۳۸۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش، و در پی یک تحقیق میدانی در باب رابطه ورزش فوتبال و هویت قومی هواداران آذری تیم تراکتورسازی تبریز چنین نتیجه‌گیری می‌نماید: آنچه بر اساس تاریخچه تیم فوتبال تراکتورسازی جلب توجه می‌نماید، اینکه این تیم به مدت ۸ سال یعنی در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۸ از لیگ برتر ایران دور بوده است؛ لذا حضور این تیم پس از این همه سال، استقبال بی نظیر هموطنان آذری زبانمان را به دنبال داشته است. چرا که آنان یک عطش ۸ ساله برای حمایت از تیم محبوبشان داشته‌اند (باقری، ۱۳۸۹: ۱۵۷). گرایش به هویت قومی و محلی نسبت به هویت ملی در این تحقیق مشهود به نظر می‌رسید؛ لذا می‌توان گفت: عامل سیاسی خود یکی از عوامل اصلی در جهت‌گیری مخاطبان قلمداد گردید. این امر نشان از آن دارد که به موازات سرکوب هویت ملی در جامعه ما، خارج از مرزها، عده‌ای به هویت‌سازی و تبلیغ اندیشه‌های قومی پرداخته‌اند (انعکاس این تبلیغات، با طرح شعارهای پان‌ترکیسم در ورزشگاه شنیده می‌شد) (همان). به عبارت دیگر، جریان پان‌ترکیسم (جریانی قائل به برتری نژاد ترک) که در سال‌های اخیر فعالیت‌های متعددی را در مناطق آذری نشین ایران انجام داده است، می‌کوشد تا از تیم تراکتورسازی برای بسط گفتمان قوم‌گرایی بهره‌برداری کند... جریان پان‌ترکیسم کوشیده است، تا در مرحله نخست، با طراحی شعارها و خلق نمادها و طرح مباحثی چون ظلم همیشگی به این تیم به دلایل قومی و غیره، بازی‌های این تیم را بازی هویتی و تراکتورسازی را نماد هویتی بخش مهمی از جامعه ایران، یعنی آذری‌ها معرفی کند تا بتواند «ما»ی آذری را در مقابل «ما»ی ملی قرار دهد (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۷۴).

اعراب هوادار تیم فولاد اهواز

خوزستان مهد فوتبال ایران است و در طول تاریخ فوتبال ایران همواره بازیکنان بزرگی از این منطقه جذب تیم ملی فوتبال ایران شده‌اند. آنان خاصه در یک دهه اخیر گرایش زیادی به تیم ملی داشتند؛ چرا که در این سال‌ها بازیکنان بسیاری از خوزستان جذب تیم ملی شده‌اند. بازیکنانی چون: کعبی، مبعلی، بدای، هادی نوروزی و...

۱. ن. ک. حمید رستمی، گزارش ویژه درباره پدیده سال، تراکتورسازی و هوادارانش، وبگاه گل تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۹؛ به نقل از ویکیپدیا، باشگاه فوتبال تراکتورسازی تبریز، بازبینی تاریخ

۱۳۹۵/۰۸/۱۴

۲. ن. ک. دکتر حمیدرضا صدر، «بارسلونای تبریز»، همشهری مثبت، تاریخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۴.

مجتبی باقری در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش، در پی یک تحقیق میدانی در باب رابطه ورزش فوتبال و هویت قومی اعراب هوادار تیم فولاد اهواز چنین نتیجه گیری می نماید: یکی از دلایلی که پاسخگویان در حمایت از تیم ملی خصوصاً در برابر تیم های عربی چون عربستان و... مطرح می کنند، همانا اشتراک در مذهب است. در میان بسیاری از پاسخ های مطرح شده بیان گردید که ما همه شیعه مذهبیم و دارای یک کیش هستیم و در تکمله به انتقاد از کنش های سیاسی اعراب سنی مذهب پرداخته اند (باقری، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

"خدایی" (۱۳۹۱) در پایان نامه ارشد خویش در رشته انسان شناسی با عنوان: هویت فرهنگی محلی، ملی و جهانی و ورزش فوتبال؛ دست به مطالعه ای تطبیقی میان باشگاه های پرسپولیس تهران و گهر دورود لرستان زده است. وی با طرح این پرسش که: فوتبال چگونه در برساختن هویت های محلی، ملی و جهانی ایفای نقش می کند؟

خدایی، توصیف صحنه ای از ورود بازیکنان تیم "گهر دورود" را اینگونه به قلم می آورد: در حالی که مورد تشویق هواداران شان هستند وارد زمین می شوند، دو نوجوان در پیشاپیش با پوشیدن لباس "محلی" حرکت می کنند و البته "پرچم جمهوری اسلامی ایران" را در دست دارند، اما نکته جالب اینجاست که دروازه بانی که پشت سر آنهاست نه لر است و نه ایرانی، بلکه او مندز "برزیلی" است، علاوه بر او، دو سه بازیکن "غیر ایرانی" دیگر و دهها بازیکن "غیر لرستانی" نیز برای داماش لرستان (که اکنون با نام "گهر دورود" شناخته می شود) بازی می کنند، خود نام "داماش" (روستایی در گیلان) و اصرار هواداران و مردم و رسانه های لرستان برای تغییر آن (به "گهر"؛ دریاچه ای در لرستان) از جمله مسایلی است که وقتی در کنار نظارت سازمان "جهانی" فیفا بر مسابقات رسمی فوتبال قرار می گیرد و با شعارهای لری و فارسی و موسیقی های لری، ایرانی و خارجی، لباس ها و آرایش ها، گهگاه موج "مکزیک" و "کف منچستری" و "هو اروپایی" همراه می شود نمی تواند کنجکاوی را در وجود انسان شناس تحریک نکند (همان).

به هر حال در این تحقیق بر رابطه ورزش فوتبال و هویت فرهنگی، در سطوح محلی، ملی و جهانی تمرکز شده است. بررسی ها نشان می دهند گهر دورود که از نظر رسانه ها، به خاطر هواداران خاصش پدیده فصل جدید لیگ برتر کشور است، جایگاه ویژه ای در سیستم هواداری مختلط فوتبال ایران دارد، این تیم در دسته یکم در الگوی شهری قرار می گرفت یعنی احساس تعلق به آن برخاسته از هم شهری بودن بود، اما وقتی به لیگ برتر صعود کرد، به خاطر شرایط و رخدادهایی و مخصوصاً به واسطه رسانه ها که مایل بودند گهر را همچون تراکتورسازی تبریز، نماینده یک قوم بدانند تغییر ماهیت یافت.

فوتبال و هویت جنسی در ایران

در طی چند دهه اخیر، انقلابی واقعی در ورزش زنان رخ داده است. توجه به ورزش جزء لاینفک نهضت زنان به شمار می رود؛ و همین امر دورنمای جدیدی را در زمینه تلاش انسان گشوده است. تصویب قانون نهضت ورزش زنان منجر به انفجاری عظیم در شرکت زنان در مدارس و دانشکده های ورزشی شده است (ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). در ایران و از دهه ۱۳۵۰، مسائل مربوط به جایگاه و هویت زن، از جمله آزادی زن و تساوی او با مرد، تحت تأثیر جریانات فکری وارد شده از غرب و به ویژه مدرنیزاسیونی که از بالا و توسط رژیم پهلوی اعمال می شد، مطرح شد. این دوران که هم دوره رواج فرهنگ غربی و هم سال های پیش از انقلاب اسلامی را شامل می شود، زمینه تحولات فرهنگی و اجتماعی عمیقی شد که مسائل مربوط به حقوق زن و خانواده، در همین بستر شکل گرفت (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۸۸).

شروع فوتبال زنان در ایران دقیقاً به دوران فوق الذکر برمی گردد. در آن زمان، بانوان ایرانی علاقه خود به انجام بازی فوتبال را با ورودشان به تیم های محلی و خیابانی آقایان نشان دادند. همان سال ها مربیانی از سراسر جهان به کلاس های آموزشی فیفا دعوت شدند که مربیان ایرانی نیز جزو آن ها بودند. این موضوع محرکی بود تا سران فوتبال ایران بیشتر به فکر فوتبال زنان در کشورشان باشند. با بالا رفتن تعداد فوتبالیست های زن ایرانی، فدراسیون فوتبال ایران به فکر تشکیل و سازماندهی تیم ملی زنان ایران افتاد و چندی بعد اولین تیم ملی فوتبال زنان ایران تشکیل شد. با شکل گیری انقلاب در سال ۱۳۵۷، فوتبال زنان در این کشور تقریباً به دست فراموشی

سپرده شد. اما در سال ۱۳۷۱ فوتبال زنان در ایران با مسابقات فوتبال سالنی (فوتسال) که دانشگاه الزهرا (دانشگاه فرح پهلوی سابق) برگزار کرد، جان دوباره گرفت. سال‌های بعد این ورزش دوباره در میان بانوان ایرانی طرفدار پیدا کرد و تورنمنت‌های فوتسال زیادی در سطح دانشگاهی و کشور برگزار شد.

واقعیت این است که فوتبال این جذابیت را داشته است که خیل عظیمی از زنان و دختران را مقهور خویش سازد. این فرآیند حتی در جامعه‌ای همچون جامعه ما با تمام محدودیت‌هایش انگیزه حضور بانوان را در قالب‌های رسمی و غیر رسمی امری اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهد. شور حضور زنان در عرصه فوتبال تا جایی پیش می‌رود که رئیس جمهور مملکت را مجاب می‌سازد تا ورود بانوان را به ورزشگاه بلا مانع اعلام دارد.^۱ هر چند این تصمیم با واکنش شدید مراجع و روحانیون در همان حرکت نخست منتفی شد، اما کنش و واکنشی که پیرامون این موضوع در سطح کلان جامعه صورت پذیرفت، نشان از اهمیت این مقوله در متن جامعه ایرانی دارد.

ورزش فوتبال همیشه ورزشی غیر زنانه، خوانده می‌شود. نه تنها حاضر شدن زنان در میدان، غریب به نظر می‌رسد، بلکه وقتی زنی از فوتبال حرف بزند هم دیگران با تعجب به او می‌نگرند و آن را حادثه و ویژه‌ای قلمداد می‌کنند. این امر سبب می‌شود ورزش فوتبال نیز چه از منظر ملی‌گرایی و چه از منظر فوتبال باشگاهی، ورزشی مردانه تلقی شود، در حالی که یک نیروی اجتماعی قویاً زنانه نیز در جریان‌های پنهان فوتبال ملی و باشگاهی به عنوان یک واقعیت اجتماعی مشارکت دارد (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۹۷).

فیلم آفساید به کارگردانی جعفر پناهی که در کش و قوس پیش از جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان تهیه شد، اما هیچ‌گاه به نمایش عمومی در نیامد؛ در واقع بازتاب شور و هیجان بانوان ایرانی برای حضور در ورزشگاه و تشویق تیم محبوبشان بود. آن‌جا که چند دختر جوان در لباس مبدل پسرانه سعی در ورود به ورزشگاه آزادی را دارند، اما توسط مأمورین شناسایی و از ورود آنان به ورزشگاه جلوگیری می‌شود. عشق به فوتبال نزد دختر بچه‌ها تا جایی پیش می‌رود که حتی در چنگ مأموران انتظامی و بدون توجه به عواقب این دستگیری، از بالای پشت بام ورزشگاه برای اطلاع از نتیجه بازی، به میدان مسابقه سرک می‌کشند.

حل مسئله تقاضا و علاقمندی روزافزون زنان کشورهای اسلامی، به ویژه کشورمان به امر فوتبال، به جایی ختم شده که حق مسلم پرداختن زنان به ورزش فوتبال، کاملاً تثبیت شده و پوشش اسلامی در این راستا نه تنها به عنوان یک راهکار مشارکت، بلکه به پیام آزادی زنان مسلمان جهت مشارکت حرفه‌ای در فوتبال، بدون به خطر انداختن ارزش‌های مذهبی و اجتماعی و همچنین حیا و عفت زنانه، تبدیل شده است؛ نگرشی که علی‌رغم مخالفت‌ها، با سرعت غیر قابل‌تصور در حال پیشرفت است (شجاع، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

"نیلوفر اردلان" بازیکن تیم ملی فوتسال ایران و خانم گل دو دوره اول بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی؛^۲ پس از آنکه به دلیل مخالفت همسرش با خروج او از کشور و ضبط گذرنامه‌اش، نتوانست تیم ملی فوتسال زنان ایران را در جام ملت‌های آسیا سال ۲۰۱۵ همراهی نماید (این موضوع جنجال فراوانی به پا کرد)^۳ از مسئولان تقاضا نمود مشککش را به نحوی از انحاء حل نموده، تا بتواند تیم ملی فوتسال را در بازی‌های آتی همراهی نماید.^۴ وی سرانجام موفق شد با اجازه دادستانی راهی مسابقات قهرمانی فوتسال زنان جهان ۲۰۱۵ در گواتمالا شود.^۵

چه فرض کنیم زنان فوتبالی شده‌اند و چه بنا بر این بگذاریم که فوتبال زنانه شده است، واقعیت‌های موجود از وارد شدن فوتبال به گفتمان زندگی روزانه زنان حکایت دارد (کمالی، ۱۳۸۹: ۴۵).

۱. در آغاز سال ۱۳۸۵ محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران با ارسال نامه‌ای به رئیس سازمان تربیت بدنی خواستار فراهم کردن امکانات حضور زنان در ورزشگاه‌ها شد (خبرگزاری فارس، تاریخ ۸۵/۰۲/۰۴) این نامه با اظهار نظرهای متفاوتی در میان مسئولان کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگزاری‌های خارجی همراه شد که سرانجام با مخالفت صریح گروهی از روحانیون در شهر قم نتوانست به مرحله اجرا برسد (خبرگزاری فارس، تاریخ ۸۵/۰۲/۰۵، و ویکیپدیا، حضور زنان در ورزشگاه‌های ایران).

۲. «خانم گل» و روزهای بچه داری، ماهنامه خانوادگی مادران؛ به نقل از ویکی‌پدیا، نیلوفر اردلان: بازیکن فوتبال ایرانی.

۳. تیم ملی فوتبال امشب بدون نیلوفر اردلان به مالزی می‌رود، جام جم: ۲۷ شهریور ۱۳۹۴.

۴. نیلوفر اردلان: دوست دارم برای پرچم کشورم بجنگم، خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»: ۵ مهر ۱۳۹۴.

۵. نیلوفر اردلان با اجازه داستان از کشور خارج شدم، فرارو: ۲ آذر ۱۳۹۴.

فوتبال و خشونت در ایران

گواينکه برخى برآند تا ثايت نمايند ورزش به گونه‌اى عام و ورزش فوتبال به شكلى خاص آميزه‌اى از توحش و انسان ستيزى و مجالى براى نمايش خشونت و پرخاشگرى مى‌باشد؛ ليك انديشمندانى نيز بر اين نکته صحنه گذارده‌اند كه اين واقعيت تنها نشان از جذابيت‌هاى ورزش دارد. اينكه محيطى مفرح، و به تقريب كنترل شده، زمينه نمايش خشونت‌هاى را فراهم مى‌آورد كه با قواعدى سنجيده مهار مى‌گردند؛ نقشى سترگ در عدم اعمال اين نوع از خشونت‌ها در عرصه زندگى واقعى ايفا مى‌نمايد.

ورزش ابزار و تمهيدى مهار شده براى تجلى خشونت به شمار مى‌آيد و بروز خشونت در ورزش‌هاى مدرن، به استناد چنين ديدگاهى، پيامد سرکوب اجتماعى رفتارهاى خشونت‌جو يانه و خشنى مانند: جنگ، شكار، قطع درختان، شخم زدن، حمل بارهاى سنگين و ديگر فعاليت‌هاى فزيكى است كه مردمان در دوره‌هاى پيشين امكان پرداختن به آن‌ها را داشته‌اند. برخى از نظريه پردازان انسان شناس با تكيه بر ثنورى رفتار غريزى چنين نتيجه گرفته‌اند كه ورزش‌هاى نوين، در واقع بديل و جانشينى براى نبردها و جنگ‌هاى پيشين هستند. اين نظريه پردازان به عنوان شاهد مثال مدعاى خويش به آداب، مناسك و تشريفات رويدادهاى ورزشى، قواعد حاكم بر فعاليت‌هاى ورزشى و نيز به برخى از ورزش‌هاى پر برخورد فزيكى اشاره مى‌كنند (بلانچارد^۱، ۱۹۸۵، به نقل از محسنى تيريزى، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

نوربرت الياس بر اين باور است كه جوامع هر قدر متمدن تر مى‌شوند قيود بيشترى بر رفتارهاى افراد اعمال مى‌كنند. مهم ترين نکته در بحث الياس كه به خشونت در فوتبال ربط پيدا مى‌كند، اين است كه اين قيود بر تن و بدن هم اعمال مى‌شوند. در واقع بشر در عصر جديد ياد مى‌گيرد كه جسم خود را تربيت كند و تحت انضباط خاصى در بياورد. انضباط تن به معنای اعمال خشونت بر تن خود و عدم اعمال خشونت بر ديگرى است. (به نقل از اباذرى، ۱۳۸۱: ۲۰).

از جمله مشخصات مهم فوتبال ايران مسئله قطبى بودن آن است كه سبب شده تا هنگام برگرارى مسابقه بين دو تيم پر طرفدار استقلال و پرسپوليس (پيروى)- دو قطب اصلى فوتبال تهران و ايران- با يكديگر يا مسابقه‌هاى كه يكي از اين دو تيم در آن حضور دارند، پرخاشگرى‌ها و در مواردى خشونت‌هاى رخ دهد. تقابل و معارضه پرخاشجويانه طرفداران اين دو تيم در سطح كشور نيز گسترش پيدا کرده است، به گونه‌اى كه هر گاه يكي از اين دو تيم براى شركت در رقابتي در شهرستان‌ها حضور پيدا مى‌كند، احتمال بروز رفتار خشن و پرخاشجويانه افزايش مى‌يابد (رحمتى، ۱۳۸۸: ۱۲). در سال ۱۳۷۹ برخوردهاى در بازي‌هاى داخلى باشگاه‌ها در تهران [استقلال و پرسپوليس] رخ داده بود ولى اندكى قبل از همان زمان، مؤسسه مطالعات و تحقيقات اجتماعى دانشگاه تهران اين نياز را احساس کرده بود كه فوتبال فقط به عنوان يك ورزش مطرح نيست و بايد به عنوان يك پديده اجتماعى- فرهنگى مورد مطالعه قرار گيرد (عبداللهيان، ۱۳۸۱: ۹۴). ... به عبارت ديگر، اتفاقات حاشيه‌اى فوتبال باشگاهى نيز يك تصادف محسوب نمى‌شود و ريشه در شكل‌گيرى‌هاى اجتماعى معاصر ايران داشته است (همان، ۹۶ و ۹۷).

اباذرى بر اين باور است كه در مورد ميزان خشونت فوتبال در ايران تا حدود زيادى اغراق شده است و تا اندازه‌اى مسائل ايجاد شده در مورد خشونت در فوتبال ساخته و پرداخته راديو، تلويزيون، اساتيد دانشگاه و روزنامه‌هاست كه خود اين قضيه فى نفسه قضيه چندان مهمى نيست: خشونت‌هاى كه در فوتبال ايران صورت گرفته در مقايسه با خشونت‌هاى كه در فوتبال جهان صورت مى‌گيرد، چندان قابل اعتنا نيستند. به طور كلى در همه‌جا، زبان‌هاى ناشى از خشونت در مسابقات فوتبال كه گاهى اوقات فى المثل منجر به از رده خارج شدن چندين اتوبوس مى‌شود، در مقايسه با تصميم‌هاى غيرعقلانى _ اقتصادى متخصصان كه منجر به زيان‌هاى ميلياردى مى‌شود بسيار ناچيز است. در حالى كه اين كارها به مردمى عامى و لات و آشوبگر و اوباش، نسبت داده مى‌شود اما آن تصميم‌هاى غيرعقلانى _ اقتصادى به عنوان اينكه «اشتباهى» صورت گرفته توجيه مى‌شود، در صورتى كه مقايسه اين دو عمل مى‌تواند تفاوت ميان زبان‌هاى اقتصادى را كه از اين كارها ناشى مى‌شوند، نمايان سازد (اباذرى، ۱۳۸۱: ۲۲).

^۱ Blanchard

از طرف دیگر، یافته‌ها و مشاهدات مربوط به رفتارهای خشن و پرخاشجویانه طرفداران فوتبال در شهر تهران نشان می‌دهند، بخش عمده‌ای از این رفتارها و حرکات به صورت پرخاشگری کلامی بوده است و شکل مرسوم خشونت‌های فیزیکی که در دیگر کشورها تحت تأثیر عامل‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا مذهب، قومیت، طبقه اجتماعی و غیره بین طرفداران فوتبال رایج است، در بین آنان بسیار به ندرت رخ می‌دهد. افزون بر آن‌ها، تفاوت برخوردهای گاه و بیگاه طرفداران فوتبال در ایران با دیگر کشورها این است که طرفداران دو تیم استقلال و پرسپولیس را با تفاوت نه چندان قابل ملاحظه‌ای می‌توان، در تمام خانواده‌ها، محله‌ها، طبقات و گروه‌های متفاوت اجتماعی ملاحظه کرد. همین امر را می‌توان یکی از دلایل مهم جامعه‌شناسی دانست که سبب جلوگیری از شکل‌گیری تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی جدل بین طرفداران فوتبال در شهر تهران و دیگر شهرهای ایران شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

برخلاف بسیاری از کشورها تاکنون در ایران رفتار طرفداران فوتبال به معضل اجتماعی تبدیل نشده و رفتارهای خشونت‌آمیز، تنها در محدوده ورزشگاه‌ها مشاهده شده است. هم‌چنین، شدت و دامنه حرکات، رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز فوتبال در مقایسه با دیگر کشورها بسیار ضعیف ارزیابی شده‌اند؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ برگزاری مسابقات فوتبال در ایران، هیچ‌گاه برخوردهای طرفداران فوتبال با یکدیگر به قتل یا حتی آسیب‌های شدید جانی و مالی منجر نشده است.

فوتبال و اوقات فراغت در ایران

فراغت به عنوان یک مفهوم، زمانی به بهترین حالت تعریف می‌شود که در مقابل مفهوم کار قرار گیرد... کار دقیقاً چیزی است که فراغت نیست، به عبارت دیگر، این عمل، حالتی است که در آن، فعالیت، به منظور آنکه چیزی دیگر، تولید شده یا دوباره کامل‌تر شود، صورت می‌پذیرد (بلانچارد، ۱۳۸۷: ۱۱۱). با وجود آنکه ثابت کردن این ادعا که ورزش یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها در پر کردن اوقات فراغت است بسیار ساده می‌نماید، شاید این پرسش برای بسیاری از افراد مطرح شده باشد که از میان تمام ورزش‌ها چرا این ورزش فوتبال است که مخاطبان بیشتری دارد؟ گو اینکه نمی‌بایست فراموش کرد تماشای فوتبال چه در ورزشگاه و چه از طریق گیرنده‌های تلویزیون، خود بخشی از پر کردن زمان فراغت به وسیله ورزش فوتبال است. باور کردن اینکه فوتبال محبوب‌ترین بازی جهان است زیاد مشکل نیست. بازی فوتبال ساده، سریع و مهیج است و برای انجام آن فقط یک توپ لازم است. فوتبال در هر زمان و مکان بازی می‌شود، هر چند سال یک بار نیز باعث گرد آمدن بازیکنان از نقاط مختلف جهان می‌گردد. این‌ها خود گوشه‌ای از جذابیت‌های فوتبال هستند. فوتبال از جمله ورزش‌های جذاب و پرطرفدار در بیشتر کشورهای دنیاست و نقش مهمی نیز در پر کردن اوقات فراغت مردم دارد. چه کسی تاکنون تویی را شوت نکرده است؟ از شهرهای کوچک برزیل گرفته تا سرزمین‌های سوزان آفریقا و زمین‌های گسترده شهرهای ما، همه جا فوتبال، سلطان بازی‌هاست.

شاید فوتبال در هیچ جا به اندازه خاورمیانه و شمال آفریقا اهمیت نداشته باشد. یکی از دلایلی که فوتبال این همه در این قسمت از جهان اهمیت دارد، کمبود دیگر تفریحات است. در خیلی از پایتخت‌های منطقه این جوک موقعی که یک خارجی وارد یک تاکسی می‌شود گفته می‌شود: «راننده تاکسی آرام می‌گوید: گوش کن، دوست داری جایی بری که بهت خوش بگذرد؟ خارجی می‌گوید: آره، راننده می‌گوید: چنین جایی وجود ندارد (کوپر، ۱۳۸۹: ۴۰۸). برای یک مرد جوان در خاورمیانه که باید اوقات فراغت را با دیگر جوانان سپری کند، فوتبال تنها تفریح ممکن است. به همین دلیل در طرابلس پایتخت لیبی، بازی دو باشگاه بزرگ این شهر بیش از صد هزار نفر را به ورزشگاه می‌کشاند، بیشتر از هر جای اروپا بجز تیم‌هایی مثل بارسلونا و رئال مادرید (همان).

در ایران نیز، دو تیم استقلال و پرسپولیس دهه‌هاست است که هزاران تن را در تهران و شهرستان‌ها به ورزشگاه می‌کشاند. گو اینکه در فصل‌های اخیر فوتبال ایران تیمی چون تراکتورسازی خود را به عنوان قطبی دیگر به فوتبال ایران تحمیل نمود. نقش فوتبال در اوقات فراغت در کشورمان تنها در تماشای مسابقات حرفه‌ای در ورزشگاه‌ها یا پای گیرنده‌های تلویزیون خلاصه نمی‌شود، بلکه این پدیده حتی در سطح آماتور، جمعیتی بی‌شمار را مهوور خویش ساخته است. ملاحظه برخی از انواع این ورزش مانند: بازی در

کوچه‌ها، خیابان‌ها و پارک‌ها، مسابقات فوتبال پیش کسوتان، فوتبال جام روستا، فوتبال سالنی (فوتسال) جام رمضان، مسابقات میان کارمندان مختلف و... این ورزش را به تفریحی مفرح جهت گذران اوقات فراغت در جامعه مبدل ساخته است.

فوتبال و اجتماعی شدن در ایران

با نگرشی عمیق به سویه‌های اجتماعی شدن در جامعه (خانواده، گروه همسالان، مدرسه و رسانه‌های گروهی) می‌توان دریافت که تا چه مایه ورزش فوتبال در این جرگه‌ها نفوذ داشته است. بازیکنان حرفه‌ای فوتبال محبوبیت فراوانی نزد بسیاری از جوانان و نوجوانان جامعه دارند، به گونه‌ای که در محافل مختلف صحبت از جزئی‌ترین مسائل زندگی آنان می‌رود. گو اینکه رسانه‌های گروهی خود در گرم کردن تنور این گونه از بحث‌ها نقش به‌سزایی را ایفا می‌نمایند؛ اما به راستی این مقوله، حکایت از نفوذ روز افزون ورزش فوتبال در حیات اجتماعی مردم نخواهد داشت؟

از دیدگاه کارکردگرایان، در مورد اجتماعی شدن باید به ویژگی‌های مردمی که در فرآیند اجتماعی شدن قرار می‌گیرند، به ویژگی‌های نهادهایی که کارکرد اجتماعی کردن را بر عهده دارند و اینکه اجتماعی شدن دارای چه پیامدهای ویژه‌ای است و هم‌چنین دیگران چه تأثیری بر روی افراد بر جای می‌گذارند، توجه نمود (پارسامهر، ۱۳۸۸: ۷۴). یکی از جنبه‌های مهم فوتبال، شیوه اجتماعی کردن و فرهنگ‌پذیر کردن آن است. فوتبال به ما می‌آموزد چگونه با جامعه سازگاری پیدا کنیم، به ایفای چه نقشی پردازیم، از چه قواعدی پیروی کنیم، زندگی را چگونه بفهمیم و الی آخر. البته بیشتر اوقات، ما از این تأثیرات بی‌خبریم و این بدان معناست که در مقابل آنچه بازی تلقین می‌کند، تعلیم می‌دهد و به نوعی به شکل غیرمستقیم القا می‌کند که ما حساس و تأثیر پذیریم. در این جا به بازی همچون دال ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها نگاه می‌کنیم و می‌کوشیم مدل‌ها را دریابیم و تأثیر احتمالی آن‌ها را بر مردم بفهمیم (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۱۸۰، به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۱۲).

بازی فوتبال در ایران از ویژگی‌های بومی و منحصر به فردی برخوردار شده است که آن را تنها به عنوان یک ورزش نمی‌توان قلمداد کرد^۱، بلکه با یکدیگر تعامل داشته و رفتار کنشگران را شکل و هدف می‌دهند. عناصری نظیر جریان‌های اجتماعی - سیاسی تاریخ ایران و نیز دخالت بازیکنان تیم‌ها در دامن زدن به ایدئولوژی تعارض در شکل‌دهی به رفتار کنشگران به‌عنوان جریان‌های طرفدار تیم‌های باشگاهی و تیم ملی نقش دارند. آنچه در ایران به عنوان یک پدیده منحصر به فرد درآمده، عبارت است از شکل‌گیری طرفداری از فوتبال باشگاهی و ملی که تحت تأثیر عناصر ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی رخ می‌دهد. هدف از این شکل‌گیری، بازسازی شخصیت کنشگران در جریان‌های تنش‌زای خیابانی بعد از بازی فوتبال است (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۱۰۰). از بعد انسان‌شناسانه، فوتبال به عنوان جزئی از اجزای جهان زیسته انسان ایرانی درآمده است. آن بخش از پدیده طرفداری از فوتبال که در ورزشگاه‌ها مشاهده می‌شود تنها بخش کوچکی از جریان کلان اجتماعی طرفداری از فوتبال را به نمایش می‌گذارد... اهمیت انسان‌شناختی فوتبال زمانی مشخص‌تر می‌شود که به حجم عظیم فرآورده‌های تلویزیونی توجه کنیم و اینکه شبکه سوم تلویزیون اساساً به بحث و بررسی به طور اعم پیرامون ورزش و به‌طور اخص پیرامون فوتبال می‌پردازد (همان).

در ایران، فوتبال و فرهنگ مربوط به آن گونه‌ای از اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری جوانان و نوجوانان را دربردارد. آنان با توجه به حمایت از تیم محبوب خودشان با مفهوم هویت گروهی آشنا می‌شوند و قواعد زندگی گروهی را در سطح همسالان و همبازیان فرا می‌گیرند. دیوارنویسی‌های نوجوانان در سطح شهر به ویژه با رنگ‌های آبی و قرمز، که از یک سوی مبین پیوند گروهی و از سوی دیگر فاصله‌گذاری مفهوم «خود» با دیگری است. نمونه‌هایی از شکل‌گیری مفهوم هویت گروهی در پناه ورزش فوتبال است.

نتایج و راهکارها

۱. خونه له رای اسپانیایی، که یک روزنامه‌نگار غیر ورزشی است در پایان دیدار خود از ایران در اکتبر ۲۰۰۱ مشاهدات خود را تحت عنوان «یک ایران مارادونا» چنین منعکس می‌کند که انگار در ایران اگر هیچ سرگرمی نباشد در خیابان‌ها و کوچه‌ها بسیاری مشغول فوتبال‌اند (نقل در مجله بین‌المللی فوتبال، دوره جدید، شماره یک).

اینکه یک کشور تیم فوتبال بزرگی داشته باشد برای بالا رفتن روحیه مردم بسیار مهم است. تجربه دیگر کشورهای جهان نیز نشان دهنده نقش فوتبال در هویت‌سازی ملی است. بدین‌سان توجه اساسی به موقعیت تیم‌های ملی (نوجوانان، جوانان، امیدها و بزرگسالان) فارغ از نگرش‌های ایدئولوژیک و مناسبات گروهی و حزبی، خود استراتژی شگرفی در انسجام مردمی و تقویت هویت ملی خواهد بود. در این خصوص پیشنهاد می‌شود که در عرصه ورزش فوتبال، مسئولان و دست‌اندرکاران این ورزش توجه بیشتر خویش را معطوف به تیم‌های مذکور نمایند.

جذب اقوام در جامعه ملی توسط ورزش فوتبال یکی از کارکردهای هویت‌ساز آن است. در ایران، به دلیل تنوع قومی فراوانی که وجود دارد، گرایش به هویت‌های محلی در هر زمان امکان تحت‌الشعاع قرار دادن هویت ملی را فراهم می‌آورند. در این خصوص می‌توان از تجربه فوتبال اسپانیا خاصه مردم کاتالونیا و تیم بارسلونا درسی بزرگ را توشه راه قرار داد. لذا کاستن از هیاهوی سرخابی و توجه ویژه به تیم‌های شهرستانی با فراهم کردن بسترهای مناسب برای حضور بازیکنان مستعد این تیم‌ها در تیم ملی، شرایطی را فراهم کرد تا تیم ملی فوتبالمان، خود جایگاهی ویژه در میان تمام اقوام ایرانی را دارا باشد.

حضور بانوان علاقه‌مند به تماشای مسابقات فوتبال در استادیوم‌ها: واقعیت این است که ورزش فوتبال جایگاه درخوری را نزد بانوان کسب کرده است. از طرفی «فدراسیون جهانی فوتبال» و هم‌چنین «ای اف سی»، اصرار ویژه‌ای بر ورود بانوان علاقه‌مند به استادیوم-های فوتبال دارند. این امر حتی تا پای محرومیت برخی ملت‌ها از حضور در میادین بین‌المللی به دلیل جلوگیری از ورود بانوان به ورزشگاه‌ها پیش رفته است. بدین‌سان، فراهم کردن بسترهای مناسب برای ورود بانوان علاقه‌مند به ورزشگاه می‌تواند از بسیاری از تنش‌ها بکاهد. در این بین مطالعات نظری تحقیق نشان می‌دهد که ورود خانم‌ها به استادیوم می‌تواند حداقل در کاهش برخی از انواع رفتارهای نابهنجار مؤثر باشد.

آنچه مسلم است ورزشگاه‌های فوتبال مأوایی است برای تخلیه تنش‌ها و هیجانات و هم‌چنین تجلی و ظهور رفتارهایی که به‌طور معمول مجاز شمرده نمی‌شوند. نوجوانان و جوانان به اقتضای سن از نیروی هیجانی بالایی برخوردارند، با توجه به اینکه بیشتر افراد جامعه ما از جوانان و نوجوانان تشکیل شده است، می‌بایست مجاری تخلیه انرژی هیجانی لازم برای آنان فراهم گردد و به خواست‌ها و مشکلات آن‌ها توجه ویژه‌ای صورت گیرد. در این باره می‌توان با ارایه آموزش‌های لازم به داوران، مربیان، بازیکنان و مسئولان برگزاری مسابقات از خشونت‌های احتمالی پیشگیری کرد و برای مقابله با آن‌ها تمهیدات مناسبی اندیشید.

توجه به این ورزش در برنامه‌های فراغتی: فوتبال از جمله ورزش‌های جذاب و پرطرفدار در بیشتر کشورهای دنیا است و نقش مهمی در پرکردن اوقات فراغت جوانان دارد. حذف این ورزش از برنامه‌های فراغتی خاصه در خصوص مقاطع سنی چون نوجوانان و جوانان نه تنها مطلوب نخواهد بود بلکه از طرف محققان علوم اجتماعی نیز توصیه نمی‌شود.

اهمیت دادن به نقش خانواده و آموزش و پرورش به عنوان دو نهاد تأثیرگذار، ارتقاء کیفی برنامه‌های صدا و سیما (توجه به فوتبال شهرستان‌ها)، اصلاح ساختار مطبوعات ورزشی و توجه ویژه نهادهای زیربنا بر عملکرد آن‌ها (آموزش اصحاب رسانه در خصوص ارایه اخبار و اطلاعات درست، تحلیل و تفسیرهای منطقی و به دور از تعصب، همراه با ارایه مقالات و مطالب آموزشی و فرهنگی در کنار اخبار و اطلاعات هیجانی و عامه‌پسند، می‌بایست در دستور کار قرار گیرد).

حضور در میادین بزرگ و تورنمنت‌های بین‌المللی ورزش فوتبال نه تنها می‌بایست ما را به هراس اندازد (به سبب قرابت با دیگر فرهنگ‌ها) بلکه این عرصه‌ها را می‌بایست فرصتی برای ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی قلمداد نمود (وظیفه‌ای که همواره مورد تأکید بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قرار می‌گرفت).^۱ بدین‌سان برای حضوری مقتدرانه در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، برنامه‌ریزی در جهت توسعه و ترویج اصول و قواعد مدرن ورزش فوتبال و فراهم نمودن امکانات و تجهیزات این ورزش برای اقشار و طبقات مختلف جامعه، به منظور شناسایی و رشد استعدادهای این ورزش، می‌بایست در دستور کار نهادهای زیربنا قرار گیرد.

۱. ن. ک، وصیت‌نامه امام خمینی (ره) بند «ی»، ص ۲۰.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، فوتبال: پارادوکس نوسازی، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹، صص ۱۸-۵.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سروش.
۳. اباذری، یوسفعلی (۱۳۸۱)، نوربرت الیاس و فرآیند متمدن شدن، نامه علوم اجتماعی ش ۱۹، صص ۲۵-۱۹.
۴. افسر کشمیری، بیژن (۱۳۸۱) نگاهی به خشونت فوتبال، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹، صص ۳۵-۲۷.
۵. بلانچارد، کندال (۱۳۸۷) مردم‌شناسی ورزش، ترجمه علیرضا حسن‌زاده و حمیدرضا قربانی، تهران: نشر افکار.
۶. باقری، مجتبی (۱۳۸۸) کارکردهای اجتماعی- فرهنگی ورزش فوتبال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۷. بی، ارل (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۸. پارسا مهر، مهربان (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی ورزش، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۹. تنهایی، ابوالحسن، و نکهت جواد (۱۳۹۱)، شیوه پایان‌نامه‌نویسی، نشر بهمن برنا.
۱۰. جلالی فراهانی، مجید (۱۳۷۸)، دانستنی‌های فوتبال، تهران: مؤسسه کتاب همراه.
۱۱. خانیکی، هادی (۱۳۸۶)، هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران، مجموعه مقالات هویت در ایران، صص ۲۱-۳، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۲. خدایی، ابراهیم (۱۳۹۱) هویت فرهنگی محلی، ملی و جهانی و ورزش فوتبال (مطالعه تطبیقی باشگاه‌های پرسپولیس تهران و گهر درود لرستان) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۳. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۸) جهان ما چه نیازی به فوتبال دارد؟، نشریه فلسفه، شماره ۴۱، صص ۸-۴.
۱۴. دوران، بهزاد (۱۳۸۷)، هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۵. دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۴) علوم انسانی گستره شناخت‌ها، ترجمه: مرتضی کتبی و همکاران، تهران: نشر نی.
۱۶. رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی خشونت ورزشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷)، تأملی در هویت زن ایرانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۵)، در گستره فرهنگ، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. ریتزر، جورج (۱۳۸۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۰. رویور، کلود (۱۳۸۵) درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۲۱. ساریخانی، ناهید، بخشی، فریده و طاهری، مرضیه (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی ورزش زنان، تهران: انتشارات آوای ظهور.
۲۲. شجاع، رضا (۱۳۹۴) رویکردها و نظریه‌های نوین در جامعه‌شناسی فوتبال، شرکت نشر نقد افکار.
۲۳. شهابی، هوشنگ (۱۳۷۷) مروری بر تاریخ اجتماعی و سیاسی فوتبال در ایران، ایران نامه، سال هفدهم، ش ۱، صص ۱۱۳-۸۹.
۲۴. صدر، حمیدرضا (۱۳۷۹)، روزی روزگاری فوتبال، تهران: نشر: آویژه.
۲۵. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱)، فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹، صص ۱۰۴-۹۳.
۲۶. عسکری خانقاه، اصغر و حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۸۱)، فوتبال و فردیت فرهنگ‌ها، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹، صص ۱۲۳-۱۰۵.
۲۷. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۶)، بازنمایی فوتبال یا واقعیت؟، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۶، صص ۱۰۹-۸۱.
۲۸. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) ورزش و سیاست هویت، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۷۴-۱۵۱.
۲۹. فکوهی، ناصر (۱۳۸۶) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
۳۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹) فوتبال، ارتباطات، جهان‌گرایی، ماهنامه آیین، ش ۳۰ و ۳۱، صص ۳۲-۲۹.
۳۱. کرایب، یان (۱۳۸۹)، نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسنز تا هابرماس، ترجمه: عباس مخبر، تهران: آگه.
۳۲. کمالی، افسانه (۱۳۸۹) بازگشت زنان به عرصه، ماهنامه آیین، ش ۳۰ و ۳۱، صص ۴۶-۴۴.
۳۳. کوپر، سایمون (۱۳۸۹)، فوتبال علیه دشمن، ترجمه: عادل فردوسی پور، تهران: نشر چشمه.

۳۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر: نی.
۳۵. مالدینوفسکی، برونیسلاو (۱۳۸۴)، نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ، ترجمه: عبدالحمید زرین قلم، تهران: نشر گام نو.
۳۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
۳۷. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹، صص ۱۵۳-۱۲۵.
۳۸. مصفا، نسرین (۱۳۸۶)، هویت زن ایرانی، مجموعه مقالات هویت در ایران، صص ۲۲۰-۲۱۳، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۹. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۶)، هویت ملی و عوامل بحران آن در ایران، مجموعه مقالات هویت در ایران، صص ۳۴۳-۳۳۳، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴۰. هاشمی، سید ضیاء و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۶)، فوتبال و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۰۷، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۴۱. هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱) راهنمای عملی پژوهش کیفی، انتشارات سمت.

42. Bromberger, Christian (1998) troisieme mi – temps pur le football iranien, le monde diplomatique.
43. Helmer, Diana and Thomas s.owens (2000) the history of soccer, New York: rosen publishing.
44. Hollander, zender (1980) the American Encyclopedia of soccer, New York: Everest House publishers.

Archive of SID